

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهر روز سورن
۱۷ جنوری ۲۰۱۷

در اعماق چه می گذرد؟ بخش چهارم



او واسطه خرید و انتقال اسلحه است. او بهترین ارتباط را با کارخانه اسلحه سازی هاگلر و کخ یا کراوس مافای المان دارد و از سوی دیگر با افریقا. به علت محدودیت های المان در تجارت اسلحه و این که آنها نمی توانند به شکل علنی اسلحه به دیکتاتور ها بفروشند، به همین دلیل بازاری خاکستری و سیاه برای فروش تولیدات شان موجود است. اسلحه ۳ را در مقیاس میلیونی برای پاکستان و عربستان و ایران ساخته و به فروش می رسانند. این کارخانه شعبه هائی نیز در ویرجینیای امریکا و ناتینگهام بریتانیا و فرانسه دارد و یکی از پنج کارخانه بزرگ اسلحه سازی مختص سلاح های دستی در دنیاست.

تبادل اطلاعات از رایج ترین نکته های مبادلات و ارتباطات رایج میان کشورها محسوب می شود. جمهوری اسلامی در قتل مخالفان سیاسی خود در خارج از کشور و در این زمینه تجارب خونینی را در خاطرات بر جای گذاشته است. در بیشتر کشور های اروپائی سازمان های اطلاعاتی شاخک های ارتباطی و دریافت اطلاعات دارند اما آنها نیز متقابلاً به رابط خود اطلاعات منتقل می دهند. محل و زمان برگزاری تجمعات علنی که ناچار مشروط به اطلاع و تأیید وزارت کشور و پولیس است، برای تهیه گزارش و تصویر برداری به این رابط ها منتقل می شود. گاهی پیش از برگزاری اکسیون جاسوسان در محل حضور می یابند.

این دسته از ارتباطات را می توان خبرچین های خرده پا نامید که پس از انتقال عکس و فلم و اطلاعات دیگر به پولیس کشور مزبور شکلاتی را به دهان می گیرند. اما جاسوس های حرفه ئی و زوم شده به عملیات ترور و خرابکاری یا به

قرار دادهای اقتصادی کلان و خرید تکنیک های تسلیحاتی محافظت می شوند. پاتوق های آنان فوق سری با پوشش علنی است و محافظان آنها در اطراف پاتوق پخش هستند.

اطلاعات تهیه شده امروزه اغلب با اتکاء به تکنیک روز منتقل می شوند. از فلم و نوار صوتی با روش های مدرن گرفته تا اسناد و مدارک و تصاویر که امروزه می توان در حجم کم و کیفیت بالا انتقال داد. بر حسب معمول دریافت کننده این اطلاعات لپ تاپ با خود حمل می کند و صحت و درستی اطلاعاتی را که معمولاً توسط یو اس پی استیک دریافت می کند، امتحان می کند.

بخشی از آنها که مستقیماً برای دریافت اطلاعات از فعالان سیاسی و تشکل ها در داخل و خارج از کشور تعلیم می بینند در قالب فعالان سیاسی سابق و یا زندانی سیاسی سابق در جمع های عمومی آنها حضور دو آتشفشان دارند. مدتها با حضورشان در این تجمعات سیاسی کسب اعتماد می کنند و به مرور و بدون جلب توجه از راه های مختلف اطلاعات دریافتی خود را منتقل می کنند.

اینها ضرورتاً به سفارت های رژیم رفت و آمد نمی کنند و قالب های مختلفی دارند و پوشش های متنوع می توانند پناهنده ای مرتبط با شبکه ها و کانون های پناهندگی باشند و یا عکاس یا خبرنگاری که اغلب نیز به رسانه های معتبر مرتبط نیستند و خود را آزاد معرفی می کنند.

این دسته از جاسوسان اطلاعات و تصاویر خود را به سرویس های اطلاعاتی پولیس کشور مربوطه می فروشند و در قبال آن پول دریافت می کنند. دیر یا زود کلیه اطلاعات دریافتی از طریق سرویس های اطلاعاتی کشور مزبور در اختیار سفارت جمهوری اسلامی قرار داده می شود.

متأسفانه اپوزیسیون و نیروهای سیاسی رادیکال در خارج از کشور به نقش و اهمیت جاسوسان جمهوری اسلامی کم بها داده اند. این نکته ریشه در گذشته و شدت و وسعت سرکوب از سوی نظام حاکم را داشته است. خسران کمی و کیفی بسیار در دهه شصت و عدم رشد این نیروها در تبعید و نیاز به گسترش و حداقل حفظ خود باعث شده بود که نیروهای متشکل موجود که هنوز نام سازمانی برخوردارند، در جذب نیرو بسیاری از پرنسیپ های خود را نادیده بگیرند. حال آن که جمهوری اسلامی برای تربیت نفوذی های خود جهت کسب اطلاعات و ترور مخالفان سیاسی سرمایه گذاری بسیاری کرده و می کند.

چنانچه جاسوسان را به دو گروه عمده بتوانیم تقسیم کنیم بخش حرفه ئی آنها همان نفوذی ها هستند که پیش از آغاز کار خود تعلیمات به خصوص می بینند و راههای جلب اعتماد فعالان تشکیلاتی را آموزش می بینند و بنابر گزارشات متعدد منتشر شده بخش بزرگی از ترورهای انجام شده در خارج کشور بدون نفوذی های رژیم ممکن نبوده است.

جمهوری اسلامی بودجه بسیار وزینی را در اختیار وزارت اطلاعات قرار داده است. در تعیین بودجه اخیر و در دوره **حسن روحانی** وزارت اطلاعات پس از تعاون و آموزش و پرورش بیشترین بودجه را به خود اختصاص داده است. این بودجه تنها آن بخشی است که به طور رسمی در اختیار این وزارت قرار می گیرد که بر اساس گزارش چند سال پیش پنتاگون، اطلاعات جمهوری اسلامی از قویترین و فعالترین سرویس های امنیتی در جهان است. اما همین گزارش تأکید دارد که این سرویس های امنیتی مخوف رژیم فاقد تکنیک های مدرن جاسوسی هستند.

با بالاگرفتن موج ترور ها در کشور امریکا و همچنین اروپای متحد در طی سالهای اخیر و علم به این که موج مهاجرانی که به این کشورها راهی شده اند می تواند جمع کثیری از وابستگان به داعش و طالبان و نیروهای مشابه را نیز در میان خود وارد این سرزمین ها کرده باشد، بر ضرورت گسترش مکانیزم های امنیتی و جاسوسی تأکید شده است. این نکته باعث شده که پرسنل و بودجه نهادهای مزبور به شدت افزایش یابد.

تعیین بودجه نظامی و بودجه سرویس های امنیتی برای حکومت های سرکوبگر همیشه در اولویت قرار دارد. منابع پیش بینی نشده مالی نیز آشکار و پنهان در اختیار این نهادها قرار می گیرد. کشورهای اروپائی غالباً مازاد بر درآمد دارند همانطور که جمهوری اسلامی منابع پیش بینی نشده از جمله اوقاف و صنعت توریسم را در اختیار دارد. کاملاً مشخص است که در شرایط ملتهب سیاسی و اجتماعی نیروهای اطلاعاتی این کشور ها، جذب بودجه مضاعف را براحتی در اختیار خواهند گرفت. بنابر این می توان انتظار داشت که کشورهای نظیر آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلیس، بلجیم، هالند، سویدن، ناروی، دنمارک با ارسال جاسوسانشان به خصوص به کشور اتریش برازدحام جاسوسان در شهر وین افزوده اند.

این نکته در مورد نهادهای اطلاعاتی کشور اتریش نیز صادق است. افزایش شدید پرسنل سرویس های امنیتی در امتداد بالاگرفتن موج مهاجرت از سرزمین های جنگ زده و مصیبت زده از اقداماتی است که دولت این کشور در دستور کار خود قرار داده است.

جست و جوی افراد مناسب برای نهادهای اطلاعاتی از طرق مختلف صورت می گیرد. یافتن افراد استثنائی در مقرهای نظامی، پادگان ها، مراکز دانشگاهی برخی از آنها هستند. برخی نیز از میان خانواده جاسوسان پیشین صورت می گیرد.

معمولاً فرزندان آنها کار والدین شان را از نزدیک دنبال می کنند و برای آنها جذابیت های زیادی دارد. تقاضای داوطلبانه آنها با علاقه از طرف مسئولین این نهادها پیگیری می شود. از این زاویه که تمامی داستان زندگی جاسوسان اطلاعاتی و محیط آنها قبلاً در پرونده های موجود آنها جمع آوری شده است و به خوبی آن را می شناسند.

روزنامه نگار اتریشی در یکی از فصل های کتابش به موقعیت اجتماعی یکی از آنها پرداخته است. او می نویسد: رائل به ظاهر روسی به نظر می آید اما روس نیست و به چند زبان بین المللی مسلط است. در خانه ای در منطقه ۸ وین با نام مستعار زندگی می کند و همسایه ها او را به اسم میثائیل می شناسند. همان نامی که برای ماشین ولوو وی به ثبت رسیده است.

او واسطه خرید و انتقال اسلحه است. او بهترین ارتباط را باکارخانه اسلحه سازی **هاکالر و کخ** یا **کراوس مافای آلمان** دارد و از سوی دیگر با افریقا. به علت محدودیت های آلمان در تجارت اسلحه و این که آنها نمی توانند به شکل علنی اسلحه به دیکتاتورها بفروشند، به همین دلیل بازاری خاکستری و سیاه برای فروش تولیدات شان موجود است. اسلحه ۳ را در مقیاس میلیونی برای پاکستان و عربستان و ایران ساخته و به فروش می رسانند.

این کارخانه شعبه هائی نیز در ویرجینیای امریکا و ناتینگهام بریتانیا و فرانسه دارد و یکی از پنج کارخانه بزرگ اسلحه سازی مختص سلاح های دستی در دنیاست. هم از اینرو می توان در نظر گرفت که صاحبان این کارخانه برای افزایش تولید و سود بیشتر از روی جنازه هزاران انسان عبور خواهند کرد و به هر جنایتی در این راستا دست خواهند زد.